

افشای مجرمان؛ از افسانه تا واقعیت

تعبیر ابردهکاران بانکی از اواسط دهه ۸۰ و با سردمداری سیاستمداران دولت وقت که گویا همواره لیستی از این گروه را در جیب خود حمل می‌کرد، وارد بخش های عمومی ادبیات اقتصادی ایران شد.

به گزارش سایت خبری پرسون، حسین سلاح^۱ و رزی نایب رئیس اتاق ایران در یادداشتی نوشت: در اصطلاح ابردهکار بانکی وام‌گیرنده‌ای است که اولاً مرتکب نکول (و به ظن قوی نکول استراتژیک) شده و ثانیاً میزان نکول او بر تراز بانک وام‌دهنده تاثیر معناداری داشته است.

چرا ابردهکاران بانکی مهم هستند؟

سیاستمدارانی که این عبارت را وارد فضای اقتصاد سیاسی ایران کرده‌اند، در واقع به دنبال ترویج روایتی از نقش و جایگاه نظام بانکداری در اقتصاد کشور و متعاقب آن، دفاع از سیاست‌هایی بودند که دولتشان در برابر نظام بانکی و فعالان اقتصادی این حوزه، در پیش گرفته بود.

مطابق این روایت، بانک منبع تامین نقدینگی برای اقتصاد کشور است و بنگاه‌ها و فعالان اقتصادی برای توسعه شکوفایی فعالیت‌های خود به این منابع نیاز دارند؛ اما بانک‌ها (و به‌ویژه بانک‌های خصوصی) تبدیل به حیاط‌خلوت برخی گروه‌های فاسد قدرتمند و ثروتمند شده‌اند و این منبع حیاتی را به‌صورتی «غیرمنصفانه» و رانتی، در قالب وام‌هایی که هرگز به درستی بازپرداخت نمی‌شود، در اختیار وابستگان خود قرار می‌دهند و حاکمیت برای بازگرداندن رونق و شکوفایی به اقتصاد کشور و «رساندن پول به مردم» باید به جنگ این هیولاهای هفت سر فساد برود.

آیا نظام بانکی کشور گرفتار آفت «نکول استراتژیک» است؟

اگر قرار باشد به این سوال در یک کلمه و تنها یک کلمه پاسخ گفت، جواب «بله» است؛ نکته‌ای که در این میان مغفول ماند؛ اما ریشه بروز گسترده نکول استراتژیک در نظام بانکی ایران است. واقعیت این است که مداخله سنگین دولت‌ها در بازار واسطه‌گری مالی و تحمیل نرخ بهره موثر منفی به این بازار و همچنین موانعی که بر سر راه اعمال حقوق بانک‌ها برای اخذ جریمه از متخلفان یا ضبط دارایی‌های آنها، به بهانه‌های گوناگونی همچون «حمایت از تولید» و «بانکداری بدون ربا» در نظام پولی ایران وجود دارد، نکول استراتژیک تبدیل به یک کسب‌وکار بسیار سودآور شده است؛ کسب‌وکار بسیار جذابی که علاقه‌مندان آن با استشمام و دیدن بو و برق داغ و درفش میرغضب هم نمی‌توانند از سود هنگفت نهفته در آن چشم‌پوشی کنند.

اصولاً یکی از دلایلی که رویه‌های استاندارد اعتبارسنجی در ایران قابلیت چندان برای مهار نکول استراتژیک ندارند، همین نکته است که الگوهای نرمال اعتبارسنجی نکول را رفتاری قلمداد می‌کنند که یک کسب‌وکار در شرایط ناپایداری به آن دست می‌یازد؛ اما در ایران سود نکول استراتژیک به‌عنوان یک کسب‌وکار، چنان از میانگین سوددهی بازارهای اصلی اقتصاد کشور بیشتر است که هر آینه ممکن است، صاحب یک کسب‌وکار سالم و پایدار را نیز فریفته خود کند و متأسفانه الگوهای اعتبارسنجی راهی قابل اتکا برای سنجش تقوا و پرهیز متقاضیان وام ندارند!

کوتاه سخن اینکه نظام بانکی ایران گرفتار آفت نکول استراتژیک است و البته در اطراف این آفت متأسفانه شبکه‌هایی از رفتارهای ناسالم و ارتباط‌های فاسد نیز شکل گرفته است و شکل خواهد گرفت که به تشدید این مشکل کمک می‌کنند؛ اما ریشه و بذر این مشکل نه فساد گروه‌های مافیایی (مطابق روایت مورد علاقه سیاستمداران)، بلکه ناشی از رفتار غیرمسئولانه و مداخلات غیرعلمی سیاستمداران در بازار واسطه‌گری مالی و تحمیل نرخ‌های غیراقتصادی و شرایط نامعقول به این بازار است.

آیا ابردهکاران بانکی سد راه شکوفایی و رونق اقتصاد و صنعت ایران هستند؟

بسیاری از نظرسنجی‌های انجام‌شده از سوی نهادهایی همچون اتاق بازرگانی ایران درباره موانع تولید و مشکلات کسب‌وکار در کشور نشان می‌دهد، فعالان اقتصادی بخش خصوصی دشواری و محدودیت در دسترسی به منابع نقدی و اعتباری و هزینه بالای تامین مالی را یکی از اصلی‌ترین چالش‌های پیش روی خود می‌دانند. روایت سیاستمداران درباره ابردهکاران بانکی نتایج این نظرسنجی‌ها را به‌عنوان شهادی بر اصالت و حقانیت دعاوی خود مثال می‌آورد و خواستار تشدید برخورد با این گروه می‌شود.

در عالم واقع اما، آنچه فعالان بخش خصوصی به‌عنوان «مشکل نقدینگی و اعتبار» از آن یاد می‌کنند، تلفیقی از «عطش نقدینگی» و «ناکارآمدی اقتصاد پولی کشور» است که این موارد نیز، درست مانند پدیده‌های نکول استراتژیک و ابردهکاران بانکی، خود زائیده سیاست‌های ولنگارانه مالی دولت و تورم ناشی از آن و در مرحله بعدی مداخله غیرمسئولانه سیاستیون در بازار پول و واسطه‌گری مالی است.

در واقع اگر فرض کنیم امروز با یک معجزه بساط ابردهکاران بانکی و شبکه‌های فساد اطراف آنها به ناگاه از چهره زمین محو می‌شود و نظام سیاسی کشور برگه تازه در دفتر «هدایت نقدینگی» می‌گشاید، فردایی نه چندان دور، با فرض ادامه همین شرایط در اقتصاد کلان ایران، وام‌گیرندگان امروز، نکول‌کنندگان استراتژیک و ابردهکاران بانکی جدید خواهند بود. ابردهکاران بانکی اگر هم نقشی در ایجاد مانع و انسداد در مسیر رشد و

شکوفایی اقتصاد ایران داشته باشند، این نقش را باید در زمینه نظری ایجاد ناترازی در نظام پولی و بروز تورم دید، نه سلب دسترسی سایر فعالان اقتصادی به منابع نقدی.

آیا ابریدهکاران بانکی «واقعا» مهم هستند؟

پاسخ این سوال نیازمند تحلیل تحولات ترازنامه نظام بانکی کشور در طول دوره نسبتاً طولانی است و جزئیات آن از حوصله این مقال خارج است. به طور خلاصه، اما مطابق با آنچه درباره نحوه تاثیرگذاری بدهی‌های بانکی بر وضعیت رکود و رونق اقتصاد کشور گفتیم، نقش ابریدهکاران بانکی در وضعیت فعلی اقتصاد ایران را باید با سایر عوامل موجد ناترازی در نظام پولی کشور مقایسه و ارزیابی کرد تا به تصویر واقع‌بینانه‌ای رسید.

نکول استراتژیک را باید در کنار عواملی همچون سیاست دولت برای حفظ پایداری بانک‌ها، صرف‌نظر از بهای تورمی آن، تحمیل نرخ‌های دستوری به بازار پول، اجبار بانک‌ها به خرید اوراق قرضه دولتی، اجبار نظام پولی به اعطای تسهیلات به شرکت‌های دولتی و خصوصی و نورچشمی، اجرای برنامه‌های تسهیلات تکلیفی گوناگون و عواملی از این دست دید و سنجید تا بتوان گفت این گروه چه میزان در ایجاد شرایط حاکم بر اقتصاد کشور مقصر و مسوولند.

البته همزمان نباید این نکته را نیز از یاد برد که تمام صورت‌های فوق‌الذکر از بروز فساد و عدم تعادل در نظام پولی کشور به یکدیگر وابسته بوده و در قالب یک اقتصاد سیاسی بیمار متقابلاً موجب تشدید و تقویت هم می‌شوند.

افشای نام ابریدهکاران بانکی؛ بله یا خیر؟

حتی اگر فرض کنیم پاسخ سراسری برای این سوال می‌تواند وجود داشته باشد، پاسخ دادن به این پرسش که قطعاً متضمن غور و تدقیق در طیفی از پیچیده‌ترین مسائل حقوق عمومی و خصوصی است، از صلاحیت صاحب این قلم بیرون است. اما در این زمینه به چند نکته کلی می‌توان اشاره کرد: گروهی از منظر حقوق خصوصی استدلال می‌کنند که افشای این اسامی اولاً مصداق نقض حریم خصوصی و اطلاعات محرمانه اشخاص است و ثانیاً از آنجا که روش‌شناسی تعریف معیار «ابریدهکار بانکی» روشن نیست، ممکن است متضمن اجحاف و بی‌انصافی در حق بعضی از افرادی باشد که نام آنها در اختیار افکار عمومی قرار گرفته است.

از سوی دیگر، گروهی استدلال می‌کنند که اولاً از آنجا که نکول اشخاص فوق‌الذکر از کانال ایجاد ناترازی در نظام پولی کشور موجب دریافت جرمه تورمی از آحاد ملت شده و به بیان دیگر هزینه تسهیلات دریافتی این گروه را تمام مردم ایران با کاهش قدرت خرید خود پرداخته‌اند، همه مردم حق دارند این گروه را بشناسند و ثانیاً نور انداختن روی این پدیده فسادآمیز به کاهش و کنترل فساد در این عرصه کمک می‌کند.

واقعیت این است که اقتصاد سیاسی ایران، بیش از ۶ دهه است که با صورت‌های گسترده و بسیار خطرناکی از فساد مواجه است که ناترازی نظام پولی کشور فقط یکی از میوه‌های تلخ آن است و شفاف‌سازی اطلاعات قطعاً می‌تواند به کاهش و کنترل این فساد کمک کند؛ مشروط بر اینکه این شفاف‌سازی همراه با آگاهی بخشی از زمینه‌ها و عوامل واقعی شکل‌گیری این موقعیت، اطلاع‌رسانی صادقانه و جامع و فراگیر از وضعیت موجود و همراه با طرح و برنامه‌ای مدون برای تقسیم کار ملی در بخش‌های خصوصی و دولتی برای اصلاح وضعیت باشد. خوب و بد افشای اسامی ابریدهکاران بانکی به شکل موجود را زمانی می‌توان قضاوت کرد که حکمرانان، جامعه و نظام اقتصادی به اجماعی استراتژیک بر طرحی فراگیر برای اصلاح اقتصاد سیاسی کشور برسند؛ آن‌گاه می‌توان ارزیابی کرد که آیا این اقدام بر آن برنامه اثری مثبت و سازنده داشته است یا منفی و مخرب.

منبع: دنیای اقتصاد